فهرست مطالب

[حکم تعارض بیّنات و اخبارات 2](#_Toc502656580)

[مسئله بیستم عروه 2](#_Toc502656581)

[تفاوت‌های تعارض اخبار حسیه و حدسیه 2](#_Toc502656582)

[مراحل ترتب دو خبر در مقابل یکدیگر 3](#_Toc502656583)

[مرجحات در باب اختلاف اخبار 3](#_Toc502656584)

[مرجحات محتوایی و مخبری در اخبار 4](#_Toc502656585)

[نقش تفاضل شخص در اجتهاد و اعلمیت 5](#_Toc502656586)

[نقش اعلمیت در اخبار حسی 5](#_Toc502656587)

[تفاوت اخبار حسی و حدسی 6](#_Toc502656588)

بسم الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / اجتهاد و تقلید / مسأله تقلید (ملاک تشخیص مجتهد و اعلم)

# حکم تعارض بیّنات و اخبارات

وقتی بیّنه یا خبر به یک بیّنه و خبر دیگری در اجتهاد یا اعلمیت شخصی معارض شد، حکمش چیست؟ قاعده و قانون در مقام تعارض بیّنات یا اخبار یا امارات چیست؟

# مسئله بیستم عروه

مرحوم سید در مسئله بیستم که محل بحث ما است، دو بار در اثبات اجتهاد و اثبات اعلمیت اشاره به این شرط کردند که شرط حجیت و اعتبار بیّنه این است که معارض به بیّنه و حجت دیگری نباشد، ابتدائاً فرمودند: «**یُعرفُ بشهادة عدلین من اهل الخبره إذا لم تکن معارضةٍ بشهادة آخرین من أهل الخبره ینفیان عنه الاجتهاد**»[[1]](#footnote-1)، در اعلمیت فرمودند: «**و کذا الأعلمیة تُعرف بالعلم أو البیّنه غیر المعارضه**»، اشاره فرمودند که اعتبار بیّنه مشروط به عدم معارضه آن با بیّنه نافی است، بیّنه مثبت حجت است، مادامی‌که به یک بیّنه نافی معارض نشود، این در صورتی است که بیّنه معتبر دانسته شود، اما اگر بیان شد که اینجا بحث خبرویت است، به یک خبره می‌شود اعتماد کرد، گفته می‌شود: «**یثبت الأجتهاد أو بالأعلمیه بخبر الخبره ما لم یعارضه قول خبرة الآخر**»، سؤالی که در اینجا مطرح است، این است که قضیه به همین سادگی است که گفته می‌شود: حجیت خبر مشروط به وجود عدم معارض است، همان‌طور که در اخبار و احادیث گفته می‌شود، یا اینکه یک نکات دیگری هم در اینجا هست، به نظر می‌رسد در پاسخ به این سؤال که حکم تعارض بیّنات یا اخبار در اثبات اجتهاد و اعلمیت چیست؟ آن سخنی که گفتیم قول مخبر به اجتهاد یا اعلمیت، آیا از باب اخبار حسیه اعتبار دارد، یا از باب اخبار حدسیه اعتبار دارد؟ یکی از مواردی که ثمره می‌دهد، در اینجاست، یکی از موارد تفاوت آن دو نظر، در بحث تعارض است.

# تفاوت‌های تعارض اخبار حسیه و حدسیه

تعارض در باب اخبار حسیه، با تعارض در اخبار حدسیه و انظار کارشناسی در جهاتی متفاوت‌اند، یکی از آن جهات باب تعارض است، اجمال این تفاوت این است که در اخبار حسیه، حداقل نظر مشهور این است که دو خبری اعتبار پایه را دارند، از آن حدنصاب حجیت برخوردار هستند، اگر رو در روی یکدیگر قرار گرفتند، تعارض و بعد تساقط می‌کنند، امتیازات و تفاضلات مخبران و راویان در مقام تعارض، مرجح نیست.

در تعادل و تراجیح ملاحظه شد، بعد از اینکه دو خبر یا دو طایفه‌ای از اخبار تعارض می‌کنند، در این صورت سراغ مرجحات می‌رویم، یعنی در صورتی که نتوانستیم جمع عرفی بکنیم و تعارض استقرار پیدا کرد، سراغ مرجحات می‌رویم.

# مراحل ترتب دو خبر در مقابل یکدیگر

وقتی دو خبر مقابل یکدیگر قرار گرفتند، چند مرحله به نحو مترتب دارد:

1 – مرحله اول این است که آیا جمع عرفی در اینجا می‌شود یا نمی‌شود، اگر جمع عرفی ایجاد بشود، در این صورت تعارض غیرمستقر است، تعارض بدوی است و رفع می‌شود.

2 – اگر جمع نمی‌شود، در این صورت تعارض مستقر می‌شود، لذا در مرحله دوم سراغ مرجحات می‌رویم.

3 – اگر مرجحات نبود، مرحله سوم تساقط می‌کنند و مراجعه به عام فوق می‌کنیم، اطلاق یا عموم بالاتری است که رفع تحیر می‌کند.

4 – اگر عام فوقی هم نبود، رجوع به اصول عملیه می‌شود.

در مرحله دوم، جایی که تعارض مستقر است و بایستی سراغ مرجحات برویم، مسئله مرجحات در تعارض اخبار حسیه مفصل است که در تعادل و تراجیح بحث می‌شود، مرجحاتی که خیلی رایج است، درواقع مرجحات موافقت کتاب و مخالفت عامه، بنا بر برخی از اقوال شهرت است، در اینجا دو یا سه مرجح است که اختلاف آقای خویی و حضرت امام است، یک نظر سه مرجح و یک نظر دو مرجح است، سه مرجحی که دو تای از آن‌ها مورد اتفاق است و یکی از آن‌ها محل اختلاف است، عبارت‌اند از:

# مرجحات در باب اختلاف اخبار

1 – اول باید دید که کدام‌یک موافق کتاب و کدام مخالف قرآن است.

2 – اگر در جهت اول فرقی نمی‌کنند، باید دید که کدام مخالف عامه و کدام موافق عامه است.

3 – اگر از جهت دوم هم فرقی نمی‌کند، باید دید که شهرت با کدام‌یک است.

همه این سه مرجح، مرجحات محتوایی و مضمونی است، یعنی گفته می‌شود که مضمون این دو خبری که معارض یکدیگر هستند، آیا موافق یا مخالف کتاب هست، یا مخالف عامه است یا موافق عامه است، همچنین موافق با مشهور است یا مخالف مشهور است، ربطی به مخبر ندارد، بلکه مضمون خبر در اینجا مدنظر است، اگر یکی از این سه شاخص، به نحو ترتبی بود، اولی مقدم و دیگری کنار می‌رود، اگر هیچ‌کدام مشکل را حل نکرد، به مرحله تساقط می‌رسد.

آیا مرجحات فقط همین مرجحات محتوایی است که محتوا در نظر گرفته می‌شود و با سه شاخص مذکور سنجیده می‌شوند، یا اینکه مرجحاتی که در مخبران هست هم اعمال می‌شود، یک‌طرف خبر به طور مثال از زراره و محمد بن مسلم نقل شده است، طرف دیگر خبر از راویان درجه‌دو و سه نقل شده است، یک‌طرف از نظر علمی بالاتر و طرف دیگر پایین‌تر هستند، یک‌طرف از نظر تقوا و مسائل اخلاقی و روحی بالاتر است و طرف دیگر پایین‌تر است، آیا تفاضل‌های مخبر بر اساس ملاک‌های علمیت، یا ورع و تقوا، یا بر اساس ملاک‌های اسبقیت، اوثقیت، اعدلیت، اعلمیت، دخالت دارد یا ندارد؟

# مرجحات محتوایی و مخبری در اخبار

در تعادل و تراجیح بحث است که آیا مرجحات در باب تعارض طوایفی از اخبار، فقط مرجحات محتوایی و مضمونی است، از قبیل موافقت با قرآن، مخالفت با عامه و موافقت با قول مشهور، یا اینکه علاوه بر این‌ها مرجحات مخبری از قبیل اعلمیت، اصدقیت، اوثقیت، اورعیت هم جزء مرجحات است؟

احتمالات و اقوالی وجود دارد بر اینکه اصدقیت و اورعیت و اعلمیت را مرجح قرار می‌دهند و بعضی از ملاک‌هایی که در مخبری نیست، اما در جهات دیگر هست، اما مشهور این است که اصدقیت و اورعیت و اعلمیت تأثیری در مرجحیت ندارد، مرجحات مربوط به مطالبی است که اشاره شد و مربوط به مضمون و محتوا است و مرجحات مخبری مورد قبول نیست.

دو مطلب بیان شد، اینکه در تعارض میان اخبار حسی و روایات و اخبار حسیه، از نظر سیره عقلا و ادله، اعمال مرجحات مضمونی هست و در مرجحات مخبری، اختلافی از قدیم بوده، اما آن چیزی که شایع‌تر و رایج است، این است که مرجحات دخالتی در ترجیح یکی بر دیگری ندارد، اگر از همان اول ثقه نباشد، تعارضی ایجاد نمی‌شود و کنار گذاشته می‌شود، اما اگر ثقه بود، در مسیر مرجحات محتوایی قرار می‌گیرد.

اما در باب خبره و کارشناس و حجیت قول خبره که گفتیم در اصول بحث شده، اما بحث جامعی نشده است، آیا در آنجا هم به همین صورت است، یکی از فروعی هست که در باب خبره باید موردبحث قرار بگیرد، اما چون مستقلاً در اصول یا فقه ما خیلی موردتوجه قرار نگرفته است، ابعادش زیاد تفکیک و تشریح نشده است.

سؤال این است که در قول خبره، آنجایی که سخنان کسی فقط در امور حسیه و قریب الی حس نقل نیست، نظر کارشناسانه است، آیا در آنجا وقتی تعارض می‌شود، مرجحات را چطور انتخاب کنیم.

مرجحات مضمونی و محتوایی، ربطی به این مسئله ندارد، برای اینکه اخبار خاصه دارد و اخبار خاصه مربوط به روایاتی است که از ائمه نقل می‌شود، لذا در تعارض خبرگان، کارشناسان، نمی‌شود به آن اخبار باب تعادل و تراجیح مراجعه بشود، اخبار باب تعادل و تراجیح در خبرهای حسی است، چون خیلی دلیل خاص در تعارض خبرگان در موضوعات و مسائلی از این قبیل نیست، سیره عقلا بر مراجعه به خبره، با تفاوت‌هایی که در آن احتمالات و اقوال هست، وجود دارد، اما نظر سیره عقلا در تعارض دو نظر کارشناسی چیست؟ وقتی دو مجتهد نظرات مختلف دارند، گفته می‌شود که باید رجوع به اعلم بشود.

# نقش تفاضل شخص در اجتهاد و اعلمیت

 تفاضل اشخاص کارشناس، مرجح است، در اخبار حسیه تفاضل اشخاص در مسائل علمی یا اخلاقی، نقشی در ترجیح نداشت، مگر اینکه درجات به نحوی باشد که یک‌طرف خبر موجب علم انسان بشود، در این صورت طرف دیگر کنار گذاشته می‌شود، بحث ما در جایی است که همه اطراف ظنی یا احتمالی هستند.

در اخبار حسیه تا وقتی‌که اطمینان به یک‌طرف و اطمینان به خلاف دیگری ایجاد نشود، وزن‌ها مساوی هستند، ولو اینکه انسان‌ها متفاوت باشند، اما در خبرهای حدسی و آراء کارشناسانه و اجتهادی، سیره عقلا چیز دیگری را می‌گوید، سیره عقلا همان مطلب مشهور را می‌گویند که در تعارض اقوال مجتهدین به عنوان کارشناسان دین، باید اعلم مقدم داشته شود، مرجح اعلمیت و اخبریت، دلیل عقلایی است.

# نقش اعلمیت در اخبار حسی

در خبر حسی، اعلمیت و بالاتر بودن مرتبه علمی نقشی ندارد، برای اینکه آن خبر ربطی به علم و کارشناسی ندارد، اما در اینجا آن نظر کارشناسی است، اگر کسی خبیر است، طبیعتاً مقدم به شمار می‌آید، گاهی تفاضل به‌گونه‌ای است که انسان اطمینان به یک‌طرف پیدا می‌کند و دیگری کنار گذاشته می‌شود، اگر هم به این درجه نرسد، باز در حالت‌های شک و تساوی، کسی که خبیر و برتر است، مقدم می‌شود.

ما در بحث قول اعلم، حدود هشت قید می‌زدیم، آقای خویی هم دو قید آوردند، مباحث مفصلی راجع به قیود اشتراط اعلمیت داشتیم که مجموعه آن قیود، به آن شکل گفته نشده است، اما اصل اینکه اعلمیت در مسائل نظری و کارشناسی و حدسی از مرجحات است، تقریباً خیلی جاافتاده است، مخالفان نادری دارند که اصلش را قبول نکنند، البته در کیفیت تفصیلاتش، تفصیلات متعددی در اینجا حدس زدیم و احتمال دادیم.

# تفاوت اخبار حسی و حدسی

تفاوتی میان خبر حسی و حدسی است، در اخبار حسیه، سیره عقلا بر ترجیح اعلم و مرجحات مخبری نیست، مگر اینکه شخص به شرایط اطمینان برسد، در اخبار ما هم، اخبار علاجیه که در باب تعادل و تراجیح است، یعنی راه‌حل‌هایی که خود ائمه برای رفع تعارض میان اقوالشان تشریح کردند و به ما سپردند، بحث اخبریت در اخبار حسیه، موردتوجه قرار نگرفته است، در بعضی از روایات است که به شکلی جواب می‌دهند، اما در اخبار حدسیه و انظار کارشناسی، این تفاوت وجود دارد، با توجه به مقدمه‌ای که بیان شد، بحث قبلی که بیان کردیم، خبری کسی که می‌گوید این فرد مجتهد یا اعلم است، اگر این خبر از گروه اول به شمار بیاوریم، یعنی بگوییم خبر حسی است، بیان شد که در اینجا تفاضل است و نتیجه به این صورت می‌شود، اگر خبر به اجتهاد و اعلمیت یک مجتهد توسط اشخاصی به عنوان اخبار حسیه به شما بیاوریم، در اینجا اعمال مرجحات اعلمیت جاری نمی‌شود، ولو اینکه این فرد کارشناس برجسته‌تر از فرد دیگر باشد، در اخبار حسیه، اعمال این مرجحات نمی‌شود، اما اگر گفته شود که این خبر ساده نیست، بلکه خبر کارشناسی است، اگر فقط خبر موردنظر قرار گرفته شود، از همان ابتدا گفته می‌شد که این دو خبر تعارض کردند، لذا تساقط می‌کنند، اما اگر گفته شد که این اخبار کارشناسی است، در اینجا اعمال مرجحات خُبرا بکنیم، خبیران این طرف با آن طرف چه تفاوت‌هایی باهم دارند، اگر مثل هم بودند که تساقط می‌کنند، اگر کارشناسان یک‌طرف از نظر علم و فضل و تقوا قوی‌تر بودند، در اینجا کارشناسی که قوی‌تر است، بیّنه اقوی یا خبر اقوی که قوتش در مخبر و خبیر هست، بر دیگری مقدم می‌شود.

در چهل حاشیه‌ای که بر عروه است، در بحث تعارض کسی زیاد وارد نشده است، فقط آیت‌الله سیستانی اشاره کرده‌اند و می‌فرمایند: اینکه گفته می‌شود: «**إذا لم تکن معارضة بالبیّنه الاخری بشاهدان عدلین آخرین ینفیان عنه الاجتهاد**»، درصورتی‌که یکی اقوی از نظر خبرویت نباشد، این حرف درستی است، بر فرض اینکه گفته شود بیّنه یا خبر در باب اجتهاد و اعلمیت، از باب خبرویت و نه از باب خبر حسی است.

در خبرویت؛ تفاضل کارشناسان بر تقدیم یکی بر دیگری اثر می‌کند.

نظر خبره قوی‌تر مقدم است بر خبره‌ای که در مراتب پایین‌تر است.

همه سخن تعارض در فرضی است که یک‌طرف ما را به اطمینان نرساند.

اگر خبره‌ها در شرایط مساوی از لحاظ درجات علمی یا قریب به هم باشند، تعارض می‌کنند، اما اگر خبره‌ها تفاوت دارند، خبرویت یک‌طرف به‌قدری قوی است که اطمینان زا است که در این صورت طرف مقابل کنار می‌رود، نکته بعدی این است که دو طرف ظنیات هستند، در اینجا خبره‌ای که خبرویت بیشتر و قوی‌تری دارد، در حد ملموس هم واضح است، خبره اقوی مقدم بر خبره اضعف است و نظر دیگری اعتبار ندارد، اما اینکه اکثریت تقدم دارد یا خیر، بحث‌های مفصلی است که در اجتهاد بیان کردیم.

چند ملاک را باید در قول خبره بحث کرد و قاعده کلی کرد و در اصول آورد، یکی اخبریت، دیگری اکثریت، اکثریت هم اقسامی دارد، ممکن است چیزهایی دیگری هم باشد که در آنجا باید بحث بشود، اما اخبریتش در میان آن مجموعه واضح‌تر است، دیگران هم حاشیه‌ای ندارند، خیلی از آن‌ها هم اعتقاد به این دارند که از باب خبرویت به این انسان‌ها که می‌گویند این فرد مجتهد یا اعلم است، مراجعه می‌کنیم.

در اجتهاد و اعلمیت همیشه بیّنات معارض هستند.

1. - مسئله بیستم عروه [↑](#footnote-ref-1)